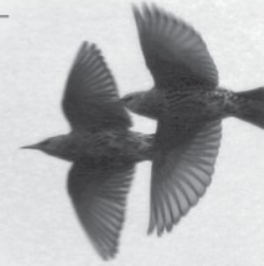


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه : سروقامت، حسین، ۱۳۴۳ -
عنوان و نام بیدآور : غدیر؛ پیوند آسمان و کویر/نویسنده حسین سروقامت.
مشخصات نشر : مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی، ۱۳۹۱.
فروست : رهنما.
شابک : 978-600-6543-29-1
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- اثبات خلافت
موضوع : غدیر خم
موضوع : غدیر خم -- احادیث
موضوع : ولایت
شناسه افروده : آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
رده بندی کنگره : BP/۲۳۲۳/۱۲۹۱۵/۴۶۴۴س/
رده بندی دیوبی : ۲۵۲/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۸۶۱۷۵



۷۷ → غدیر؛ پیوند آسمان و کویر

نویسنده: حسین سروقامت
آستان قدس رضوی
چاپ سوم: پاییز ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)
معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
نشانی: حرم مطهر امام رضا علیه السلام، اداره پاسخگویی به سؤالات دینی و اطلاع رسانی
تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰-۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲
rahnama@aqrazavi.org

به کوشش محمدحسین پورامینی
طراح جلد: علی بیات
ویراستار: محمدمهدی باقری
طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی





پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیش‌رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.



غدیر؛ پیوند آسمان و کویر

پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر نوشتن این نوشته را توجیه می‌کند:

- مهم‌ترین پیام آیه سوم سوره مائده در باره ماجرای غدیر خم چیست؟
- اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام برای زنده نگه‌داشتن غدیر چه راه‌هایی را ارائه کرده‌اند؟
- چند فراز از سخنان حضرت زهرا که حاکی از فراموشی مردم نسبت به غدیر خم است، را بیان نمایید.

- به چه دلیل ولایت در خطبه غدیر به مفهوم وصایت و سرپرستی است؟
- چرا با وجود اهتمام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در خطبه غدیر به جانشینی حضرت علی علیه‌السلام مردم از این

مِنْ كُنْتُمْ مَوْلَايَ فَاَنَا مَوْلَاكُمْ



اشاره

ماجرای غدیر داستان یک برکه کم آب در نزدیکی جحفه نیست. شرح مظلومیت اول مظلوم عالم است. مظلومیت انسانی که دوستان، از سر حزم و احتیاط فضایل او را پوشاندند، دشمنان نیز از روی کینه و عناد مناقب او را کتمان کردند، با این حال فضای آسمان و زمین لبریز از عطر وجود اوست.

راست است که علی دو هزار سال زودتر از زمان خود پا به عرصه گیتی نهاد؛

حقیقت است که علی را جز پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام نشناخت؛

و درست است که امروز و تا قیام قیامت حتی ما شیعیان که افتخارمان همراهی علی عَلَيْهِ السَّلَام

است، به قطره ای از کنه دریای وجود او دست نخواهیم یافت.

این کلام مختصر جز آنکه عرض ارادتی خالصانه است به پیشگاه آن امام همام، اشارتی



نیز هست به حماسه غدیر خم. امید است مقبول افتد و صاحب آن دستمان گیرد.

غدیر؛ پیوند آسمان و کویر

سال دهم هجرت بود. پیامبر ﷺ در حلقه یاران خویش، در مسجد نشسته بود و آنان گرم گفت‌وگو با یکدیگر بودند؛ حلقه‌ای از حلقه‌های معرفت.

... که جبرائیل امین، فرشته وحی، بر قلب مطهر حضرت نازل شد و با خود، سوره حمد را آورد. پیامبر ﷺ شگفت‌زده گفت: «این سوره را پیش از این نیز بر من نازل کرده بودی!»

راست می‌گفت. سوره حمد را پیش از آن، یک بار دیگر نازل کرده بود و اینکه سوره‌ای را دو بار نازل کند، سابقه نداشت.^۱

۱. تفسیر روح المعانی، ج ۸، ص ۱۴۵؛ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۶۸.

جبرائیل سخنی گفت و پیامبر ﷺ دریافت که این موضوع، یک نشانه است؛ یک علامت! چه علامتی؟ راستی، این موضوع نشانه چیست؟

دانه‌های درشت عرق، بر پیشانی پیامبر ﷺ نشست. هر زمان که با جبرائیل سخن می‌گفت و از او سخن می‌شنید، همین‌طور می‌شد.

- ای رسول رحمت! نزول دوبارهٔ سورهٔ حمد، نشانهٔ آن است که وفات تو نزدیک است. یعنی فرشتگان بهشت صف کشیده‌اند به انتظار و عالم بالا چشم دوخته است به راه؛ راهی که پیامبر ﷺ از زمین آغاز می‌کند و تا عرش قدم‌به‌قدم می‌پیماید.

اکنون رسول رحمت، پیامبر مهربانی و عطوفت، بار سنگین دیگری بر دوش خود احساس می‌کند: او باید امت خویش را برای مخاطرات پس از خود آماده سازد. باید موضوع مهمی را به مردم بگوید. اما چه موضوعی، چگونه و کجا؟

خداوند ﷻ راه را معین می‌کند: پیامبر ﷺ باید با امت خود عازم حج شود؛ حجة الوداع.



اعلان عمومی حج، همان و همراهی ۱۲۰ هزار نفر با پیامبر رحمت، همان! مسجد شجره هرگز چنین جمعیتی به خود ندیده است: مسلمانانی که پیامبر خویش را همچون نگین انگشتری دربر گرفته‌اند و یارانی که در آخرین حج پیامبر ﷺ قدم به قدم او را همراهی می‌کنند. در این سو، چنین شور و ولوله‌ای برپا بود. دریای پرتلاطم امتی که آمده است در مراسمی شگفت، تاریخ را به گواهی بگیرد. امواج این اقیانوس خروشان، پنجم ذی‌الحجه به مکه رسید.

در سوی دیگر، جان پیامبر ﷺ برادر و وصی او، علی مرتضیٰ علیہ السلام است که به نمایندگی از حضرت، به یمن و نجران رفته است. او نیز با ۱۲ هزار نفر از اهل یمن، به مکه آمدند و لبیک‌گویان به حرم امن الهی وارد شدند.^۱

۱. معاً فی الغدیر، ص ۱۰ تا ۱۱.

آری! علی علیه السلام باید می‌رسید. خداوند عز و جل این بساط را چیده است تا او را به مردم معرفی کند. خداوند عز و جل این بزم را برپا کرده است تا او و آوازه بلند او تا ابد بماند.

ایام حج به سرعت گذشت و آن جمعیت انبوه را به عرفات و مشعر و منا کشاند.

اما من از همه این‌ها، عرفات را بیشتر دوست دارم؛ همان‌جا که آن روز، خداوند عز و جل فرمان نصب علی علیه السلام را برای جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله صادر کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله علم و دانش خویش و ودیعه و امانت‌های گران‌سنگ خود را تسلیم علی علیه السلام کرد. امروز هر گوشه‌اش که پای می‌نهد، اثری از گام‌های حجت خداست: امیرالحاج، حضرت مهدی صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه.

آری! فرمان در عرفات رسید. چنین موضوعی برای پیامبر صلی الله علیه و آله تازگی نداشت. حتی برای مردم نیز غریب نبود. برخی از آنان، روزی را به یاد می‌آورند که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودند و علی علیه السلام از در درآمد. رخسار پیامبر صلی الله علیه و آله چون گل شکفت و فریاد برآورد: «برادرم از راه رسید.»

آنگاه به سوی کعبه رفت، پرده آن را گرفت و گفت: «قسم به خدایی که جانم در دست اوست،

این علی علیه السلام و پیروان او در روز قیامت رستگارند.»^۱

آری! ولایت علی علیه السلام برای مردم غریب نبود: پیش از این نیز از پیامبرشان شنیده بودند که اگر خلافت اسلامی را به علی علیه السلام بسپارید، رهبری دانا و آگاه به مسیر خواهید داشت که قدم از قدم بر نمی‌دارد، مگر آنکه شما را به «صراط مستقیم» رهسپار کند.^۲

تاریخ، این قبیل سخنان را فقط از پیامبر صلی الله علیه و آله سراغ ندارد. دیگران نیز در این وادی، با رسول خدا صلی الله علیه و آله هم‌آوا و هماهنگ‌اند. گویا همین دیروز بود که یکی از شاعران معاصر مصری، همه ارادت خویش را در این جمله ریخت و به عدالت‌پیشگان عالم تقدیم کرد: «اگر بگویند اسلام و نگویند علی علیه السلام، مانند قلبی است که در آن، خونی جریان ندارد.»^۳ یا آن نویسنده

۱. حماسه غدیر، ص ۱۶۱ تا ۱۶۳؛ خوارزمی، مناقب، ص ۶۶.
 ۲. تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۴۷؛ حماسه غدیر، ص ۲۵ تا ۲۶.
 ۳. حماسه غدیر، ص ۴۲.

عرب، دکتر علی الوردی که دین پیامبر ﷺ را با علی علیه السلام برابر انگاشت و گفت: «دین مساواتی که پیامبر ﷺ آورد، با علی علیه السلام در یک قبر مدفون شد.»^۱

آری! مردم با علی علیه السلام زندگی می کنند، در کوچه و بازار با او راه می روند، او را در مسجد ملاقات می کنند؛ اما قطره‌ای از دریای وجود او را نچشیده‌اند.

اما پیامبر ﷺ این بار آمده است تا دست مردم را بگیرد، از این قله بالا ببرد و اندکی از فضیلت‌های علی علیه السلام را به آنان بشناساند. چه زیبا و شگفت گفته است آن نویسنده فرانسوی، در شرح احوال این ستارگان هدایت گستر: «هرگز ادعا نمی کنم که همه جهانیان می توانند بر فراز این قله‌ها زیست کنند؛ ولی می گویم مردم گیتی باید روزی در سال، به قصد زیارت از آن‌ها بالا بروند. آنان در آنجا، نفس سینه و خون رگ‌هایشان را تازه خواهند

۱. نقش و عاظ در اسلام، ص ۱۹۸.



کرد و خویشتن را به ابدیت نزدیک تر احساس خواهند کرد. آنگاه به عزم پیکار روزانه، با دلی قوی به دشت پهناور زندگی باز خواهند گشت.»^۱

آری! پیامبر ﷺ می خواست آن روز از سال که مردم نفس سینه و خون رگ‌هایشان را تازه می کنند، روز غدیر باشد و آن قله‌ای که به قصد زیارت از آن بالا می روند، قله پُر مهابت علی علیه السلام. مراسم حج تمام شد. فرشته وحی نازل شد و آیه تکان دهنده‌ای بر پیامبر نازل کرد: «ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل کردیم، به مردم ابلاغ کن که اگر چنین نکنی، رسالت خدای خویش را به انجام نرسانده‌ای.»^۲

پیامبر ﷺ با مردم از مکه بیرون آمد. حاجیانی که پس از اتمام مراسم حج، هریک آهنگ خانه و کاشانه خود کرده‌اند و از اتفاق بزرگی بی خبرند که در راه است. آنان سر راه خویش به

۱. حماسه غدیر، ص ۱۶.

۲. مائده، ۶۷.

غدیر خم رسیدند؛ منطقه‌ای خشک و لم‌یزرع، با قدری آب و تعدادی درخت‌های قدیمی. غدیر خم نزدیک جحفه است. جایی که مسیر اهل مدینه، مصر، عراق، شام و نجد با یکدیگر تلاقی می‌کند. انتخاب غدیر خم نیز برای ابلاغ موضوع ولایت، از سوی پروردگار متعال بوده است.

هجدهم ذی‌الحجه بود که پیامبر ﷺ با اصحاب و اعراب و ساکنان حومهٔ مکه و مدینه و نیز همهٔ کسانی که در حجة‌الوداع شرکت کرده بودند، به غدیر خم رسیدند؛ جمعیتی بالغ بر ۱۲۰ هزار نفر.

پیامبر ﷺ مسیر خود را به سمت راست تغییر داد. به توقف مردم امر کرد و دستور داد هر که جلو تر رفته است، بازگردد و همگی صبر کنند تا کسانی که عقب مانده‌اند نیز برسند. همچنین، فرمان داد که احدی به سمت درختان قدیمی نرود و آن قسمت، در طول سه روز مراسم غدیر خالی ماند.

همهٔ مرکب‌ها ایستادند. همگان در غدیر فرود آمدند و برای خود جایی برگزیدند. آفتاب

به شدت می تابید. حرارت آفتاب به حدی بود که مسلمانان سرهایشان را با گوشه لباس پوشانده و پایین عبا را بر پاهایشان افکنده بودند.

پیامبر ﷺ به سلمان و ابوذر و عمار گفت که زمین کنار درختان قدیمی را آماده کنند، سنگها و شنها را بردارند و آنجا را مسطح کنند. پارچههایی میان درختان بیفکنند و سایهساری فراهم کنند؛ جایی که برای برگزاری مراسم غدیر خم مناسب باشد. سنگهایی را از گوشه و کنار فراهم کردند، کجاوههای شتران را روی آنها قرار دادند و پارچهای بر آنها افکندند تا در وسط آن جمعیت، منبری برای پیامبر ﷺ تدارک کنند؛ جایی که پیامبر ﷺ به جمعیت اشراف داشته باشد و به راحتی بتواند با آنان سخن بگوید. عدهای را نیز مشخص کردند تا گفتههای پیامبر ﷺ را تکرار کنند؛ به گونه ای که احدی از جمعیت نماند که سخنان حضرت را نشنود.

تا ظهر، همه مردم در اطراف این منبر آسمانی جمع شدند: همه چشم انتظار، همه

بی‌تاب. ظهر، منادی پیامبر ﷺ ندا داد و مردم را به نماز جماعت دعوت کرد. نماز ظهر را با پیامبر ﷺ خواندند. آنگاه...

...پیامبر ﷺ بر فراز آن منبر ایستاد و علی علیه السلام را صدا کرد تا از منبر بالا رود و در سمت راست وی قرار گیرد؛ یک پله پایین‌تر.

پیامبر ﷺ نگاهی به سمت راست خود انداخت و سپس، به سمت چپ نظری افکند. گویا منتظر بود تا همه ساکت شوند و به سخنان او گوش دهند. آنگاه سخن آغاز کرد. خطابه رسمی پیامبر اعظم ﷺ که در آن، به عموم بشر توجه کرده و آنان را مخاطب قرار داده است.

خطبه‌ای که بر فراز منبر، نه یک نفر، بلکه هم‌زمان دو نفر ایستاده بودند. مردم نفس‌ها را در سینه‌ها حبس کرده بودند. پیامبر ﷺ خطبه تاریخی خویش را آغاز کرد که نزدیک یک ساعت طول کشید. در آغاز خطبه، پیامبر ﷺ زبان به حمد و ثنای الهی

گشود، از صفات او سخن گفت و به بندگی حضرت حق عَلَيْهِ السَّلَام اقرار کرد. آنگاه از ضرورت تدارک این اجتماع باشکوه، مطالبی به زبان آورد و به صراحت اعلام فرمود:

«خداوند عَلَيْهِ السَّلَام به من خبر داده است که اگر آنچه در حق علی عَلَيْهِ السَّلَام بر من نازل کرده است، ابلاغ نکنم، رسالت و پیامبری ام را به انجام نرسانده‌ام...». سپس، اعلان امامت پیشوایان دین عَلَيْهِمُ السَّلَام و نام بردن از حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام.^۱

زمانی که سخنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به اینجا رسید، همه مردم از قصد او برای معرفی علی عَلَيْهِ السَّلَام به جانشینی آگاه شدند؛ اما پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به همین اندازه نیز بسنده نکرد. او با کاری که کرد، توجه همگان را به شدت جلب کرد و راه را بر همه **شبهه** افکنان تاریخ بست:

همه مردم دیدند که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دست علی عَلَيْهِ السَّلَام را گرفت، بلند کرد و به تمامی جمعیت

۱. معاشر الناس انی نبی و علی وصی الا و ان خاتم الائمة منا القائم المهدي. شرح و تفسیر خطبة پیامبر اکرم در غدیر خم، ص ۴۰۹.



نشان داد. سپس، در همان حال مهم‌ترین و اساسی‌ترین فراز این خطبه تاریخی را به‌زبان آورد: من کنت مولاه فهذا علی مولاه؛ هر که من مولای اویم، پس علی مولای اوست. آنگاه فرشتگان و مردم را به شهادت طلبید و گفت: «خدایا، من این موضوع را ابلاغ کردم.»

سپس به‌صراحت افزود: «علی از سوی خداوند امام شماسست و خداوند هرگز توبه منکر ولایت او را نمی‌پذیرد... بر خداوند لازم است که او را عذاب کند؛ عذابی سخت و همیشگی و او در آتش جهنم، جاودان خواهد بود.»^۱ آنگاه به برخی فضایل علی علیه السلام اشاره کرد. هشدار به مردم درباره عذاب الهی، در صورت نپذیرفتن ولایت علی علیه السلام و برشمردن آثار ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام بخش دیگری از خطبه غدیر بود. پیامبر صلی الله علیه و آله سوره حمد را خواند و

گفت: «قسم به خدایی که این سوره را نازل کرد، سوره حمد درباره من و اهل بیت من است و یاران علی علیه السلام هدایت یافتگان صراط مستقیم هستند.»

از فرازهای بسیار جذاب خطبه غدیر، سخن گفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره بقیه الله صلی الله علیه و آله و اوصاف و احوال او و بشارت مؤمنان، به آینده‌ای است که هدایت به دست‌های مبارک او جریان می‌یابد. از دیگر شگفتی‌های خطبه غدیر، بیعت زبانی است. بدیهی است که مقدور نبود پیامبر صلی الله علیه و آله از چنین جمعیتی و در زمانی واحد، برای علی علیه السلام بیعت بگیرد. علاوه بر این، ممکن بود برخی نیز از بیعت شانه خالی کنند؛ از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله در اواخر خطبه غدیر گفت: «ای مردم، تعداد شما بیشتر از آن است که بتوانید در فرصت محدودی با من مصافحه کنید و به من تبریک بگویید. خداوند عز وجل به من فرمان داده است که درباره ولایت علی علیه السلام و امامان پس از او، از شما اقرار بگیرم...». آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله عباراتی را بیان کرد و مردم با او تکرار کردند.

جز در این خطبه و در بیان این عبارات، هیچ جایی ندیده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله چنین شیوه‌ای

را برای بیعت زبانی اتخاذ کرده باشد و همراهی را این گونه از مردم مطالبه کند. سرانجام، خطبه غدیر به زیباترین شکل ممکن و با جمله الحمد لله رب العالمین به پایان رسید. خطبه پیامبر ﷺ همه را به وجد آورده بود. در این خطبه، پیامبر ﷺ ۱۰ بار از صفات خداوند نام برد. ۱۰ مرتبه به مقام بلند خود اشاره کرد. ۵۰ بار بر ولایت علی علیه السلام تأکید کرد. ۱۰ بار از ولایت پیشوایان و امامان علیهم السلام سخن به زبان آورد. ۲۰ مرتبه فضایل علی علیه السلام را خاطر نشان کرد. ۲۰ بار از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه یاد کرد. ۲۵ مرتبه از شیعیان اهل بیت علیهم السلام و دشمنان آنان سخن گفت. ۱۰ بار بیعت با ائمه علیهم السلام را مطرح کرد. ۱۲ مرتبه از قرآن و تفسیر آن سخن گفت. ۲۰ بار نیز از حلال و حرام الهی، مطالبی را بیان کرد.^۱

هرچند اغلب فرازهای خطبه درباره علی علیه السلام بود، پیامبر ﷺ ۴۰ مرتبه از او به صراحت نام

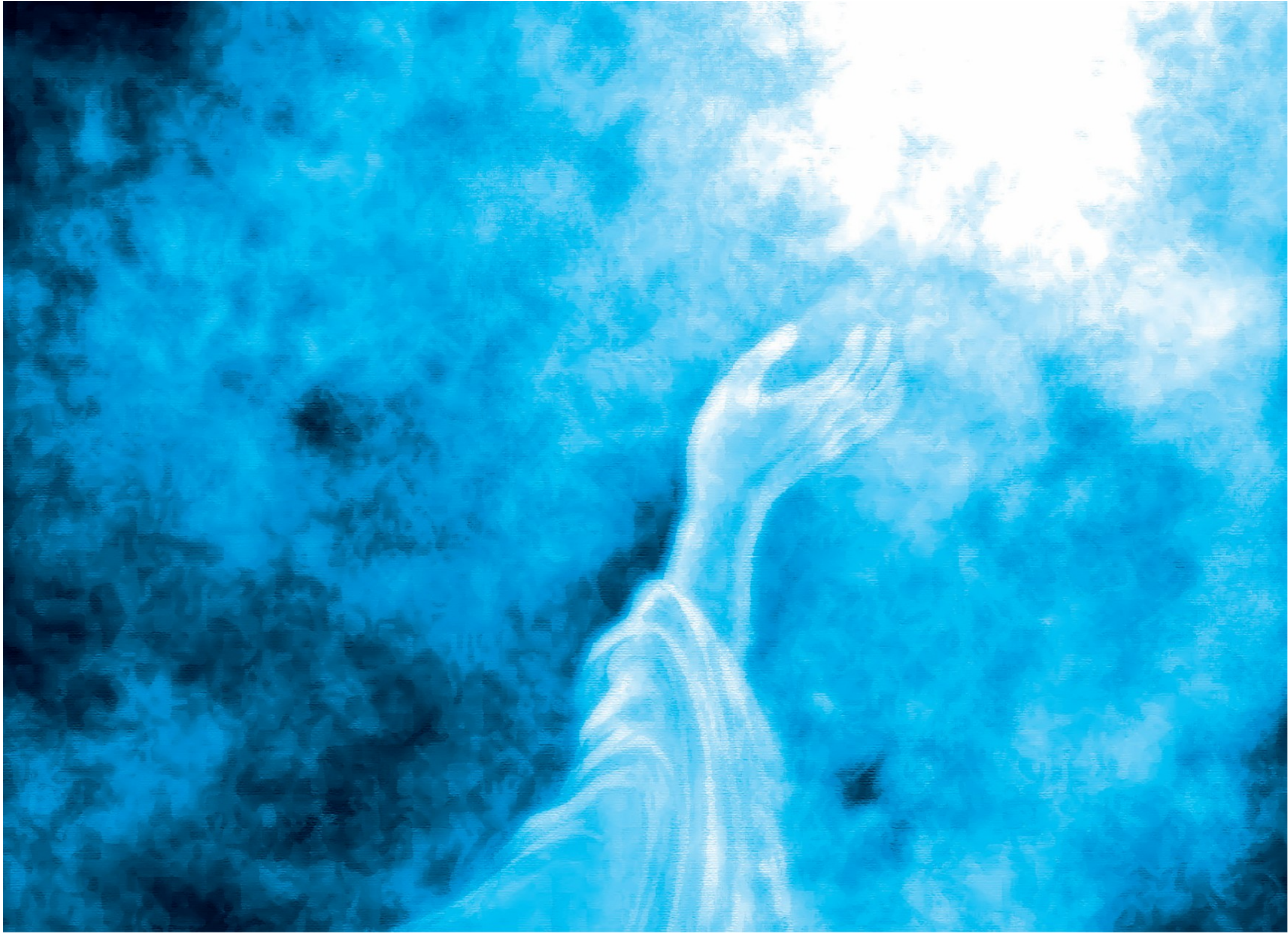
۱. معاً فی الغدیر، ص ۳۴ تا ۳۵.

برد، ۴۰ مرتبه نیز کلمه ائمه علیهم السلام و ۴ مرتبه نام مهدی عجل الله تعالی فرجه را به زبان آورد. همچنین، خطبه خود را با ۵۰ آیه از آیات قرآن متبرک ساخت.^۱

حالا زمان آن رسیده بود که مردم با دست‌هایشان با علی علیه السلام بیعت کنند.

پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که دو خیمه در کنار درخت‌های قدیمی نصب کنند؛ یکی برای خود و دیگری برای علی علیه السلام.

آن حضرت به مردم فرمان داد: «به من تهنیت بگویید! به من تبریک بگویید! خداوند مرا نبی و اهل بیت مرا امام قرار داد.»



مردم نیز در این مرحله سنگ تمام گذاشتند: دسته‌جمعی به خیمهٔ پیامبر ﷺ می‌آمدند، به او تبریک می‌گفتند و خطاب به آن حضرت عرض می‌کردند: «آری! ما فرمان خدا و رسول او را شنیدیم و اطاعت کردیم... به دل‌هایمان و زبان‌هایمان و دست‌هایمان.»

آنگاه به خیمهٔ علی علیه السلام می‌رفتند، با او دست می‌دادند و بیعت می‌کردند.

شگفتی‌های غدیر به‌همین اندازه خاتمه نیافت... گویی این رشته سرِ دراز دارد:

خلیفهٔ دوم از اولین کسانی بود که با علی علیه السلام بیعت کرد و کلماتی گفت که تاریخ، آن‌ها را به حافظهٔ نیرومند خویش سپرده است: «به‌به! خوشا به احوال تو که مولای من و سرپرست هر زن و مرد مسلمانی شدی.»

به گواهی تاریخ، آنان که زودتر بیعت کردند، پیش از دیگران نیز بیعت شکستند! ...عجیب آنکه دیرزمانی نپایید که زمزمه‌های مخالفت با علی علیه السلام به گوش رسید.

برخی از همان آدم‌ها، از پیامبر ﷺ پرسیدند: «یا رسول‌الله، این موضوع از جانب توست یا

از جانب خداوند عز وجل بر تو نازل شده است؟»

و پیامبر صلی الله علیه و آله که بوی تردید و بی‌وفایی و عهدشکنی را از این سخنان استشمام می‌کرد، به‌صراحت فرمود: «به خدایی که جز او خدایی نیست، این فرمان خداست و من وظیفه‌ای جز ابلاغ آن نداشتم.»

بیعت را از مردان آغاز کردند؛ اما به آنان خاتمه نیافت. پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد ظرف آبی آوردند و وسط آن پرده‌ای آویختند. علی علیه السلام دست خود را از یک‌سوی ظرف در آب فرو برد و زنان یک‌به‌یک آمدند و دستشان را از سوی دیگر ظرف، در آب فرو بردند.

این کار را سه روز ادامه دادند؛ تاجایی که احدی در آنجا نبود که بگوید من در غدیر حاضر بودم و سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را شنیدم؛ اما با علی علیه السلام بیعت نکردم.

در همین مراسم باشکوه بود که پیامبر صلی الله علیه و آله امامت خود را که سحاب نامیده بود، بر سر امیرالمؤمنین علیه السلام نهاد و تحت‌الحنک آن‌را روی سینه‌اش افکند و فرمود: «خداوند در جنگ بدر

و حنین، مرا با فرشتگانی یاری داد که [نظیر] همین عمامه را بر سر گذاشته بودند.^۱ آنگاه فرمود: «عمامه، تاج عرب^۲ است.» با این سخن فهماند که فخر ابدی برای علی ع و فرزندان اوست که تاج رسول خدا ص را بر سر دارند.

آنگاه حسان بن ثابت، شاعر چیره‌دستی که زبانش ثناگوی فضایل خاندان رسالت بود، نزد رسول خدا ص آمد و گفت: «یا رسول الله، اجازه می‌دهید در این خصوص شعری بگویم؟» پیامبر ص به او فرمود بگو... و او شعر را آغاز کرد. او آغاز کرد و پس از او، ۱۴ قرن است که شعرا درباره‌ی غدیر می‌گویند و می‌سرایند.

با اتمام مراسم غدیر، مَهر تأیید خداوند ع نیز بر آن خورد. خداوند ع در آیهای که توسط جبرائیل نازل کرد، فرمود: «امروز، کسانی که به دین شما کفر ورزیدند، مأیوس و ناامید

۱. ان الله عز و جل ایدنی یوم بدر و حنین بملائکة معتمین بهذه العمة. معاً فی الغدیر، ص ۲۲ تا ۲۴.

۲. در برخی روایات، از عمامه به تاج ملائکه تعبیر کرده‌اند.



شدند؛ پس، از آنان نهرا سید و تنها از من بترسید.»^۱ در ادامه همان آیه، کمال دین و اتمام نعمت الهی و رضایت خویش را در گروهی حماسه غدیر قرار داد: «امروز، دین شما را کامل کرده و نعمت خود را بر شما تمام کردم و از اسلام به منزله دین شما راضی شدم.»^۲

مردم دسته به دسته و قبیله به قبیله از غدیر حرکت کردند و به خانه و کاشانه خود رهسپار شدند. آن روزهای خاطره انگیز ایام ولایت، در دل و جان آنان جای گرفت. هر گروهی که به شهر و دیار خود می رفتند، بیش از آنچه در مکه و مدینه دیده بودند، از غدیر بازمی گفتند. اخبار غدیر در اقصی نقاط عالم پیچید و خداوند عز و جل به زبان اهل ایمان، ولایت و امارت علی علیه السلام را عالم گیر کرد.

پیامبر صلوات الله علیه نیز به مدینه برگشت و در همان روزهای نخست بازگشت بود که جبرائیل،

۱. مائده، ۳.
۲. همان.

دیگر بار، بر قلب مطهر او فرود آمد و موضوع دیگری را به پیامبر ﷺ ابلاغ کرد: اختصاص لقب «امیرالمؤمنین» به علی علیه السلام از سوی خداوند عز وجل؛ بدان معنا که این لقب، مخصوص علی علیه السلام است و احدی جز او سزاوار این لقب نیست. پیامبر ﷺ پس از این مرحله، از اصحاب خود خواست بیایند و با این لقب، به حضرت علی علیه السلام سلام بدهند. اصحاب نیز یکی پس از دیگری، از در مسجد وارد می شدند و با عبارت السلام عليك یا امیرالمؤمنین به علی علیه السلام سلام می گفتند و بیرون می رفتند.

غدیر با همه شکوه خود به انجام رسید و چنان در دل و جان انسان ها بزرگی و عظمت آفرید که پس از آن، هر چیز زیبایی را به آن تشبیه کردند و شعرا هر بهجت و سروری را به آن مثال زدند: چنان که تمیم بن معز که خود، دیوان مشهوری با نام دیوان تمیم بن معز الدین الله الفاطمی دارد، در قصیده بلندی که در آن، شبها و روزهای خوش خویش را توصیف می کند، چنین می گوید: «[آن شبها] زیبایند؛ چونان شبهای غدیر. [آن روزها] شاد و



سرشار از خرمی‌اند؛ چون روزهای غدیر.^۱

از آن روزگار تاکنون، غدیر سرچشمهٔ جریان‌های مختلفی بوده است که دو گروه مختلف، آن‌ها را پیگیری کرده‌اند:

گروه اول پیامبر صلی الله علیه و آله، اهل بیت علیهم السلام، عدالت‌طلبان و حق‌جویان عالم‌اند که همواره بر زنده‌نگه‌داشتن غدیر، ارزش‌مندی، عیدش‌مردن و جشن گرفتن آن، پای فشردن و تأکید کرده‌اند. کسانی که با گفتار و رفتارشان، این حماسهٔ بزرگ را پاس داشته‌اند و بر سرِ آزادگی و حقیقت‌طلبی خود و نیز اعتبار و اصالت غدیر ایستاده‌اند.

گروه دوم نیز کسانی هستند که به‌انگیزهٔ مطامع پست دنیوی و دنیاطلبی و مادی‌گرایی تلاش کرده‌اند تا غدیر را به بوتۀ فراموشی بسپارند و مانع گسترش شعاع معنوی آن شوند.

۱. دمیه‌القصر و عصر اهل‌العصر، ص ۳۸؛ آرمان غدیر از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۹ تا ۱۰.

اما گروه اول از چند طریق، حماسه غدیر را زنده نگه داشته‌اند: نخست آنکه غدیر را به منزله عید و بلکه افضل اعیاد امت پیامبر ﷺ در نظر گرفته و بر آن تأکید کرده‌اند؛ چنان که پیامبر ﷺ در سخنی به این نکته اشاره می‌کند: «روز غدیر برترین عید امت من است. آن روزی است که خداوند ﷻ به من فرمان داد تا برادرم علی بن ابی طالب ﷺ را همچون پرچم هدایتگر امت خویش، پس از خودم منصوب کنم. آن روز خداوند ﷻ دین را کامل کرد و نعمت را بر امت من تمام کرد و از دین اسلام برای آنان راضی و خشنود شد.»^۱

امامان ما نیز همچون امام باقر ﷺ و امام صادق ﷺ و امام رضا ﷺ غدیر را به عظمت مطرح می‌کردند. آنان، آن روز را عید تلقی کرده و به مردم یادآوری می‌کردند که غدیر بزرگ‌ترین عید اسلام است: در روایتی، از یکی از یاران امام صادق ﷺ نقل کرده‌اند که به حضرت گفت:

۱. معاً فی الغدیر، ص ۶۸ تا ۶۹.

«فدایت شوم! آیا برای مسلمانان غیر از دو عید فطر و قربان، عید دیگری نیز هست؟» حضرت فرمود: «آری، عیدی است که از این دو برتر و والاتر است.» گفتم: «کدام عید؟» حضرت فرمود: «روز انتخاب امیرالمؤمنین علیه السلام به پیشوایی امت.»^۱

در روایتی از امام رضا علیه السلام نیز آمده است: «به خدا سوگند، اگر مردم ارزش روز غدیر را می‌شناختند، روزی ده بار فرشتگان با آنان مصافحه می‌کردند. اگر به درازا کشیدن سخن برای من ناگوار نبود، درباره بزرگی این روز و فضیلت‌هایی که خداوند عز وجله به کسانی داده است که آن را شناخته‌اند، چنان مفصل سخن می‌گفتم که به‌شمار نیاید.»^۲

در کتاب شریف الغدیر نیز به‌گونه‌ای مبسوط بحث کرده‌اند که عید دانستن روز غدیر و به‌جا آوردن آداب ویژه آن، از شعائر عمومی جهان اسلام است و مختص شیعیان نیست. غدیر

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۰۳.

۲. آرمان غدیر از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۹ تا ۱۰؛ التهذیب، ج ۶، ص ۲۴، ح ۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۰۲، ح ۱.

را از زمان پیامبر ﷺ عید بزرگ مسلمانان می‌شمردند و به آن احترام می‌گذاشتند.^۱ همگان به موضوع غدیر بسیار توجه کرده‌اند و از چشم دانشمندان سنی نیز پنهان نمانده است: ابوریحان بیرونی عید غدیر را از جمله اعیاد مهم مسلمانان قلمداد کرده است.^۲ ضیاءالدین مقبلی نیز در بیان زیبایی اشاره می‌کند که اگر حدیث غدیر مسلم نباشد، هیچ امر مسلمی در اسلام وجود ندارد.^۳ این نکته را شیخ طوسی، از علمای بزرگ امامیه نیز بیان کرده است. او می‌گوید: «شیعیان همگی آن [یعنی غدیر] را نقل کرده و متواتر دانسته‌اند.» ابن طلحه شافعی نیز می‌گوید: «این روز را عید می‌دانند؛ برای آنکه رسول خدا ﷺ

۱. الغدیر، ج ۱، ص ۲۶۷ تا ۲۸۳.

۲. الآثار الباقیه عن القرون الخالیه، ص ۳۳۴.

۳. الغدیر، ج ۱، فصل الکلمات حول سند الحدیث؛ حماسه غدیر، ص ۳۴.



حضرت علی علیه السلام را به مقام والای ولایت برگزید و او را بر همه آفریده‌ها برتری داد.^۱ این موضوع تا بدانجا پیش می‌رود که طارق بن شهاب، از علمای بزرگ اهل کتاب، به خلیفه دوم می‌گوید: «ای عمر، اگر آیه الیوم اکملت لکم... را در کیش ما نازل کرده بودند، روز نزول آن را عید می‌گرفتیم.»

راه دیگری که گروه اول برای زنده‌نگه‌داشتن غدیر ارائه کرده‌اند، بیان برخی آداب فردی و اجتماعی روز عید غدیر خم است. از این آداب می‌توان به زینت کردن، پوشیدن لباس‌های نو و پاکیزه، احیای شب غدیر، نماز و روزه روز غدیر، عبادت و دعا در آن روز، صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام و لعن دشمنان، زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام از دور یا نزدیک، اظهار شادمانی قلبی و زبانی با تبریک و تهنیت به سایر شیعیان، برگزاری جشن و مراسم شعرخوانی، سخنرانی

۱. تلخیص الشافی، ج ۲، ص ۱۶۸.

و بیان مناقب حضرت علی علیه السلام، زیارت و دیدار برادران دینی، اهدای هدایا و وسعت روزی در خانواده و... اشاره کرد.

فیاض بن محمد بن عمر طوسی از یاران امام رضا علیه السلام، در حالی که نود سال از عمرش گذشته بود، مشاهده‌های جالبی از جشن غدیر، از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند: «در روز عید غدیری در محضر امام رضا علیه السلام بودم. حضرت جمعی از دوستان خود را برای صرف غذا دعوت کرده بود و به خانه برخی دیگر از اصحاب نیز غذا، هدایا، لباس، کفش و انگشتری فرستاده بود. سرووضع دوستان و خدمتکاران خویش را نیز تغییر داده بود. در آن روز با وسایل پذیرایی تازه، غیر از آنچه در سایر روزها در خانه حضرت وجود داشت، از آنان پذیرایی می‌کرد. امام همواره عظمت و فضیلت آن روز و سابقه دیرینه آن را در تاریخ اسلام یادآوری می‌کرد و شرح می‌داد.»^۱

از این مقال بگذریم و از گروه دوم سخن به میان آوریم؛ گروهی که سخن گفتن از آنان یادآور عذرتراشی، بهانه‌جویی، فراموشی و بی‌وفایی است. با کمال تأسف، روگردانی از علی علیه السلام از دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله آغاز شد و نه تنها مسلمانان، بلکه افراد دور از دنیای اسلام نیز به آن پی بردند؛ به گونه‌ای که ولتر، فیلسوف معروف فرانسوی، نیز به آن اشاره می‌کند: «آخرین اراده محمد صلی الله علیه و آله انجام نشد. او علی علیه السلام را [به جانشینی خود] منصوب کرده بود...»^۱

بنابراین، شد آنچه نباید می‌شد: جو پلیسی حاکم، منع نقل و کتابت احادیث نبوی برای

۱. حماسه غدیر، ص ۳۰.

La dernière volonté de "Mohomet ne point exécutée. Il avait nommé Ali ..." Oeuvres Complètes, Vol XI, p. 209, L'ouismaland

و اکنون، با وجود آن همه اعترافات که در طول تاریخ، از علما و عقلای ملل و مذاهب عالم و حتی از خود خلفا ثبت کرده‌اند، چرا از ولتر فرانسوی (۱۶۹۴ تا ۱۷۷۸) نقل می‌کنیم؟ برای اینکه بدانیم اشخاص دور از اسلام و دنیای اسلام و فرهنگ اسلام نیز به این حقایق پی برده‌اند.

سال‌های طولانی و نیز وضعیت بعد از وفات پیامبر ﷺ کاری کرد که مردم نتوانند به حدیث غدیر عمل کنند. مرور کوتاهی بر چند فراز از سخنان حضرت زهرا علیها السلام نشان‌دهنده آن است که مردم چگونه و با چه شتابی، غدیر را به فراموشی سپردند:

آیا سخن پیامبر ﷺ را در روز غدیر فراموش کردید که فرمود: «هر که من مولای اویم، علی مولای اوست.»^۱

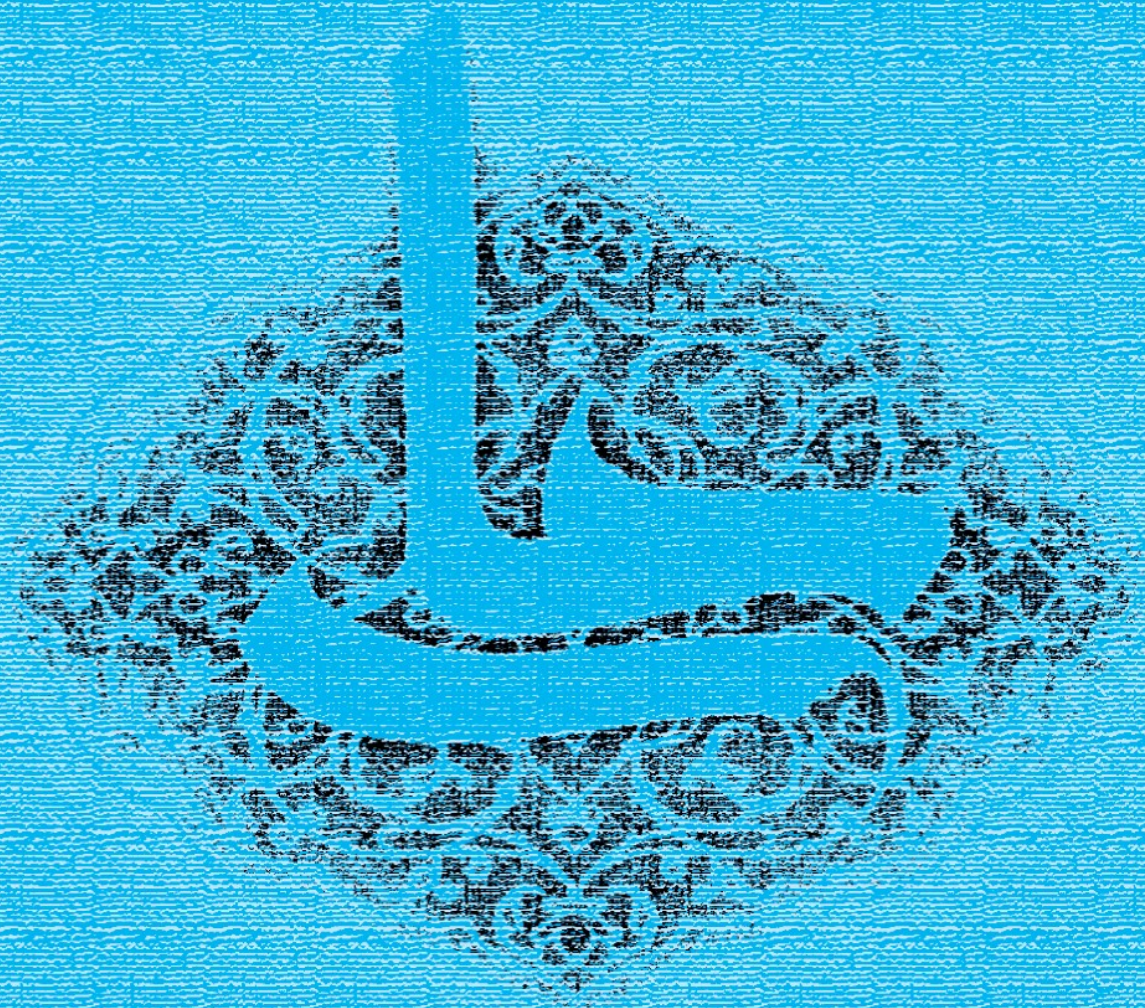
آیا پدرم در روز غدیر، برای احدی عذری باقی گذاشت؟^۲

شگفتا! آیا روز غدیر خم را به بوته فراموشی سپردید؟^۳

۱. الغدیر، ج ۱، ص ۱۹۷.

۲. صدوق، خصال، ص ۱۷۳، ح ۲۲۸.

۳. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۳، ح ۲۲۴.



گویا شما نمی‌دانید [پدرم] در روز غدیر خم چه سخنی به زبان آورد.^۱
 خداوند ﷺ بعد از غدیر خم، برای احدی حجت و عذر و بهانه‌ای قرار نداده است.^۲
 نه تنها آنان، بلکه بسیاری از مسلمانان امروز نیز غدیر را فراموش کرده‌اند. بدان حد که
 تردید می‌کنند، آیا غدیر جزء اسلام هست یا خیر! این مسئله چنان وقیح و ناصواب است
 که آه از نهاد برخی بزرگان اهل سنت نیز برآورده است: استاد و محقق معروف جهان سنت،
 عبدالله علایلی، در سخنرانی خود در رادیو لبنان، به تاریخ ۱۸ ذی‌الحجه ۱۳۸۰ ق، چنین گفته
 است: «عید غدیر جزء اسلام است و هر کس منکر آن شود، منکر اسلام شده است.»^۳
 این مطالب زمانی رنگ شگفتی و تعجب به خود می‌گیرد که بدانیم کسانی که بعد از

۱. بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۰۵، ح ۳.

۲. دلائل الامامة، ص ۳۸.

۳. محمد جواد مغنیه، الشیعه و التشیع، ص ۲۸۸؛ حماسه غدیر، ص ۳۶.



وفات پیامبر ﷺ حکومت و زمامداری مردم را برعهده گرفتند، بارها به برتری علی علیه السلام گواهی داده‌اند. از خلیفه اول، ابوبکر بن ابی قحافه نقل کرده‌اند: «مرا کنار بگذارید! مرا کنار بگذارید! من بهترین شما نیستم!» عمر بن خطاب نیز می‌گفت: «علی علیه السلام برای خلافت، از من و ابوبکر سزاوارتر بود.» از این گونه اظهارات و حتی آشکارتر از آن، از این دو خلیفه بسیار نقل کرده‌اند، آن هم از کتاب‌ها و مآخذ معتبر خود علمای اهل سنت.^۱

سخن آخر، پاسخی است به این پرسش که ممکن است برای شما نیز مطرح باشد: چرا با وجود علی علیه السلام مردم به سراغ دیگران رفتند؟ جمله‌های زیر را از برخی بزرگان اهل سنت بخوانید تا پاسخ را بیابید: متکلم معروف، قاضی ابوبکر باقلانی، می‌گوید: «جمهور اهل تحقیق و اصحاب حدیث گفته‌اند که خلیفه را به علت اینکه فاسق و گناهکار باشد یا ستمگر باشد، اموال مردم را

۱. الغدیر، ج ۱، ص ۳۸۸ تا ۳۸۹ و ج ۵، ص ۳۶۸ و ج ۷، ص ۸۰ و ۸۱ و ۱۱۹؛ حماسه غدیر، ص ۳۶.

بگیرد، پوست از سر مردم بکند، مردم را بکشد، حقوق را ضایع کند و حدود الهی را زیر پا بگذارد، خلع نمی‌کنند و قیام علیه او واجب نیست؛ بلکه باید او را موعظه کرد.»^۱ از قاضی بدرالدین بن جماعه مؤلف کتاب تحریر الاحکام فی تدبیر اهل الاسلام نیز نقل کرده‌اند: «اگر شخص مسلط که به زور، قدرت را به دست آورده است، حتی قوانین شریعت را نداند و ظالم و فاسق و فاجر باشد، باید از او اطاعت کرد.»^۲ قاضی ابویوسف گفته است: «اطاعت از خلیفه لازم است؛ اگرچه ستمگر باشد.»^۳ حسن بصری نیز چنین آورده است: «به حکام، بد مگویید؛ زیرا ایشان اگر به نیکویی رفتار کنند، آنان راست اجر و بر شماست شکر و اگر به بدی رفتار

۱. التمهید، ص ۱۸۶؛ حماسه غدیر، ص ۱۳۵ تا ۱۳۶.

۲. حماسه غدیر، ص ۱۳۶.

۳. همان، ص ۱۳۲ تا ۱۳۳.



کنند، بر آنان است و زر و بر شماسست صبر.»^۱ قاضی ابویوسف به هارون الرشید گفته است: «خداوند ﷻ کار این امت را به تو سپرده است.»^۲ عبدالجبار معتزلی همدانی از عقایدشناسان و متکلمان بزرگ اهل سنت نیز گفته است: «اهل سنت هر فاسق مفضولی را که بر مردم مسلط شود، پیشوا می‌شناسند. نه با رضا و رغبت، بلکه به دلیل همان تسلط و غلبه او.»^۳

واعجبا! عده‌ای با لطایف‌الحیل، حکومت را به دست می‌گیرند و عده دیگری برای کار آنان، ایده‌پردازی و مبناسازی می‌کنند. مردم نیز باور می‌کنند و اطاعت می‌کنند و کار به همین منوال پیش می‌رود تا قیام قیامت!

رگ‌رگ است این آب شیرین و آب شور
در خلائق می‌رود تا نفخ صور^۴

۱. همان.

۲. همان.

۳. المغنی فی ابواب التوحید و العدل، بخش اول، ص ۲۵۹.

۴. مولانا جلال‌الدین محمد بلخی.

غدير و سه پرسش پيشِ رو

پرسش نخست: در خطبه غدیر، «ولایت» معنایی جز محبت و علاقه نمی‌دهد. توضیح اینکه مهم‌ترین فراز خطبه غدیر که شیعیان برای جانشینی حضرت علی علیه السلام پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن استناد می‌کنند، عبارت من کنت مولاه فهذا علی مولاه است. ولایت در این فراز، چیزی جز محبت و علاقه نیست؛ یعنی هر که به من محبت و علاقه دارد، دوستی و محبت علی علیه السلام را نیز حفظ کند. این را از دعای پیامبر صلی الله علیه و آله در پایان خطبه نیز می‌توان فهمید: اللهم وال من و آله و عاد من عاده؛ خدایا، هر که علی را دوست دارد، دوست مدار و با هر که دشمن اوست، دشمن باش. آیا از این سخنان، جانشینی و خلافت علی علیه السلام فهمیده می‌شود؟

پاسخ: اول، این حرف با اهتمام شدید پیامبر صلی الله علیه و آله در اجتماع مردم، در سرزمین غدیر خم ناسازگار است. چگونه می‌توان پذیرفت که پیامبر صلی الله علیه و آله به اجتماع مسلمانان دستور دهد که صبر کنند پیش‌رفتگان بازگردند و بقیه برسند تا فقط از پیامبر صلی الله علیه و آله بشنوند که علی علیه السلام را

دوست بدارند. مگر این سخن را بارها پیش از این نیز از پیامبر ﷺ نشنیده بودند؟ مگر از عمق دوستی پیامبر ﷺ و علی عليه السلام آگاه نبودند؟ خیر، باید سخن تازه‌ای در میان باشد و آن، جز وصایت و خلافت پس از پیامبر ﷺ نیست.

دوم، در برخی روایات که از قضا بزرگان اهل سنت نیز نقل کرده‌اند، در ادامه دعای پیامبر اللهم وال من والاه... عبارت احب من احبه آمده است. این عبارت نشان می‌دهد که ولایت غیر از محبت است؛ در غیر این صورت، تکرار و حشو لازم می‌آید که آن هم در سخنان پیامبر گرامی اسلام ﷺ موضوعی بعید است.^۱

سوم، این اشکال که برای خطبه غدیر بیان کرده‌اند، توجیه نادرستی است که حتی عده‌ای از اهل سنت نیز به آن ایراد گرفته‌اند و آن را بعید شمرده‌اند. بد نیست شبهه افکنان،

۱. ابن کثیر از طبرانی روایت کرده است که سیزده نفر از جا برخاستند و شهادت دادند که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: من کنت مولاه فعلى مولاه. اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و احب من احبه و ابغض من ابغضه و انصر من نصره و اخذل من خذله. البدایه و النهایه، ج ۷، ص ۳۴۷.

به این منابع توجه و دقت بیشتری کنند.^۱

چهارم، چرا از عبارت اللهم وال من والاه... که دعای پس از خطبه است و دعا همواره موضوعی مستقل از خطبه است، به منزله قرینه‌ای برای محبت استفاده می‌کنند؛ اما از عبارت اَلَسْتُ اَوْلٰی بِكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ که قطعاً جز خطبه است و حتماً به معنای تصرف و ولایت و سرپرستی است، همچون قرینه‌ای برای ولایت استفاده نمی‌کنند؟

پنجم، در برخی کتب اهل سنت، در ادامه روایتی که ذکر کردیم، کلمه «بعدی» آمده است: قال من كنت مولاہ فان عليا بعدی مولاہ...^۲ هر کس من مولای اویم، پس از من علی عَلَيْهِ السَّلَامُ مولای اوست. اگر مقصود از ولایت، دوستی و محبت باشد، معنا نمی‌دهد که علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بعد از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دوست مردم باشد؛ مردمی که در عصر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز دوستی علی عَلَيْهِ السَّلَامُ با گوشت و پوست و خون

۱. الرياض النضرة، ج ۱، ص ۲۰۵. از محب‌الدین طبری شافعی به منزله یکی از این افراد یاد می‌کنند.
 ۲. البدایه و النہایه، ج ۷، ص ۳۴۷.



آنان آمیخته بود.

ششم، چه اشکالی دارد که با توجه به این قرائن، ولایت در قسمت اول به معنای سرپرستی آمده باشد و در این قسمت که دعاست، به معنای محبت باشد؟

پرسش دوم: آیا بیشتر مردم و صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله که از علی علیه السلام اعراض کرده‌اند، به خطا رفته‌اند؟ آخر، از سویی، با آیات و روایات فراوانی مواجهیم که در شأن حضرت علی علیه السلام و برای اثبات امامت و ولایت اوست و از سوی دیگر، اغلب مردم و صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌بینیم که از این آیات و روایات و از علی علیه السلام روی برگردانده و با دیگران بیعت کرده‌اند. آیا ممکن است بیشتر مردم مسیر نادرست را انتخاب کنند؟ این موضوع، تردید ما را به آن منابع دینی بر نمی‌انگیزد؟

پاسخ: در اواخر زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و پس از رحلت او، نوعی بینش و خط فکری انحرافی در میان مسلمانان پدید آمد و گسترش یافت. بزرگان ما از آن، با نام «اجتهاد در مقابل نص»



یاد می‌کنند. براساس این بینش، لازم نیست هر آنچه پیامبر ﷺ تأکید و تصدیق کرده است، باور کنیم و تعبداً به آن‌ها عمل کنیم؛ بلکه می‌توان فارغ از حکمت بالغ خداوند و فقط به صلاح‌دید کوتاه‌بینانه مردم نگریست و مطالب دیگری را جایگزین دستورهای پیامبر ﷺ کرد.^۱ بر این اساس، می‌توان غدیر را نادیده گرفت یا در صلح حدیبیه با پیامبر ﷺ برخورد کرد^۲ یا در اذان تصرف کرده و جمله‌ی «حی علی خیرالعمل»^۳ را حذف کرد. می‌توان عبارت الصلاة خیر من النوم^۴ را به اذان نماز صبح اضافه ساخت یا از متعه زنان^۵ و متعه حج،^۶ برخلاف دستور پیامبر ﷺ منع

۱. این اندیشه، مخالف صریح دستور قرآن است که فرمود: ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا. حشر، ۷.
۲. صحیح مسلم، کتاب الجهاد و السیر، ج ۳، ص ۱۴۱۲، ب ۳۴، ح ۱۷۸۵.
۳. حلبی، سیره، ج ۲، ص ۹۸.
۴. الموطأ، ص ۵۷، ح ۱۵۱.
۵. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۳۱.
۶. زادالمعاد، ج ۲، ص ۱۸۴.

کرد. همچنین، می‌توان در بسیاری از مسائل نظیر شرکت در لشکر اسامه^۱ یا احضار قلم و دوات بر بالین پیامبر ﷺ،^۲ به صورت عملی با رسول گرامی اسلام ﷺ مخالفت کرد.

از این موضوع که بگذریم، چند عامل اساسی وجود داشت که باعث شد مردم از گرد علی علیه السلام پراکنده شوند و دیگران را به او ترجیح دهند:

عامل اول، کینه آنان از علی علیه السلام بود. امام رضا علیه السلام در روایتی به این نکته اشاره کرده‌اند: «امام علی علیه السلام پدران، اجداد، برادران، عموها، خاله‌ها و نزدیکان آنان را که از دشمنان خدا و رسول او بودند، از دم تیغ گذراند؛ لذا آنان کینه او را به دل گرفتند.»^۳ برای آنان مهم این بود که علی علیه السلام نباشد؛ حتی اگر حکومت به چنگ ابوبکر افتد که بر فراز منبر به مردم گفت:

۱. طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۱۹۰.

۲. صحیح بخاری، ج ۷، ص ۹.

۳. عیون اخبار الرضا ج ۲، ص ۸۱، ح ۱۵.



«حکومت شما را پذیرفتم؛ درحالی که بهترین شما نیستم.»^۱

عامل دوم، عدالت علی علیه السلام بود که در حکومت بر مردم، فقط تقوا و پرهیزگاری را ملاک تقدم افراد بر یکدیگر می‌شمرد. بنابراین، بسیاری از مردم از این مسئله ناخشنود بودند و همواره به دنبال سهم بیشتری از حکومت علی علیه السلام برای خویش بودند. ابن ابی‌الحدید می‌گوید: «مهم‌ترین علت روی گردانی عرب از امیرالمؤمنین علیه السلام مسئله مالی بود. او کسی نبود که عرب را بر عجم برتری بخشد؛ اما خلفا چنین می‌کردند. او کسی بود که هرگز اجازه نمی‌داد، شخصی به دلیل سودجویی و منفعت‌طلبی به او متمایل شود.»^۲

عامل سوم، دشمنی قریش با بنی‌هاشم بود. این دشمنی از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود

۱. الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۳.

۲. شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۲، ص ۱۹۷.

داشت؛ اما پس از مرگ حضرت، به اوج خود رسید. عمر بن خطاب در مناظره‌ای به ابن عباس می‌گوید: «به خدا سوگند، پسر عموی تو علی علیه السلام برای خلافت از همه سزاوارتر است؛ اما قریش تحمل او را ندارد.»^۱ پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از کینه قریش با علی علیه السلام پرده برداشت و به او فرمود: «زود است که پس از من، امتم علیه تو حيله‌گری و ستم می‌کنند.»^۲ امام علی علیه السلام همین جفاها و خیانت‌ها را از قریش دید که از آنان به خداوند شکایت کرد و چنین فرمود: «بارخدا، به تو از قریش شکایت می‌کنم. آنان می‌خواستند با انواع نیرنگ‌ها با پیامبر تو درافتند؛ اما از عهده برنیامدند و تو میان آنان و نیاتشان حائل شدی. اما بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۷؛ کامل ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۴.

۲. مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۰، ح ۴۶۷۶.

محاصره‌ام کردند و آن مقاصد شوم را درباره‌ی من پیاده کردند.»^۱

از دیگر عوامل کناره‌گیری مردم از علی علیه السلام عصبیت‌های قومی و فامیلی، تعصب‌های حزبی و قبیله‌ای، دشمنی علی علیه السلام با اشرافیت، دنیازدگی، نفاق، جهل مردم و فتنه‌ای بود که از شهرت‌طلبی و قدرت‌خواهی عده‌ای ریشه گرفته بود.

پرسش سوم: نمی‌توان خلافت بلافصل حضرت علی علیه السلام را از حدیث غدیر فهمید. درست است که حدیث غدیر از نظر سند و دلالت صحیح است؛ یعنی به صدور آن، اطمینان وجود دارد و امامت و خلافت حضرت علی علیه السلام را نیز اثبات می‌کند؛ اما نمی‌توان از این حدیث فهمید که او بلافاصله پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امام و حاکم مسلمانان است. به همین دلیل، اهل سنت نیز او را خلیفه چهارم می‌دانند و این کاملاً

۱. شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۲۹۸.

با محتوای حدیث غدیر سازگار است.

پاسخ: می‌توان به دلایل مختلف، به این شبهه خدشه وارد کرد:

اول، از کدام آیه یا روایت، خلافت خلفای قبل از علی عَلَيْهِ السَّلَام را اثبات می‌کنند؟ آیا نمونه‌ای وجود دارد که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ۲۳ سال نبوت خود، به چنین مطلبی اشاره کرده باشد؟ اگر دلیلی از قرآن یا سنت در این زمینه بیاورند، ما نیز از ادعای خود دست برمی‌داریم.

دوم، روایت بسیار معتبر و صحیحی از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وجود دارد که شیعه و سنی آن را پذیرفته و قبول کرده‌اند. این روایت که به «حدیث ولایت» معروف است، به‌صراحت می‌گوید که علی عَلَيْهِ السَّلَام خلیفه و جانشین بلافصل پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است: هو ولی کل مؤمن بعدی؛^۱ او پس از من، سرپرست همه مؤمنان است. اگر این روایت را در کنار حدیث غدیر قرار دهیم، مشخص خواهد شد

۱. مسند احمد، ج ۴، ص ۴۳۸.

که پیامبری رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امامت علی علیه السلام موضوعی متصل و پیوسته است و هیچ کس و هیچ چیزی نباید میان آن دو فاصله اندازد.

سوم، با اندکی دقت و تأمل می توان دریافت که اساساً حدیث غدیر را صادر کرده اند تا خلافت حضرت علی علیه السلام را بلافاصله بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله اثبات کنند. دقت کنید که پیامبر صلی الله علیه و آله این روایت را در آخرین سال عمر خویش و زمانی که از تفرقه و چنددستگی مسلمانان هراس داشته، بیان کرده اند. هر عقلی درمی یابد که مقصود او حکومت و امامت علی علیه السلام بلافاصله پس از رحلت خود است؛ نه زمانی که دیگران آمده اند و رفته اند و دیگر آبها از آسیاب افتاده است. چهارم، حدیث غدیر دلالت دارد که علی علیه السلام سرپرست همه مسلمانان است، حتی سه خلیفه ای که بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله یک به یک زمام حکومت را به دست گرفتند. چگونه علی علیه السلام سرپرست آنان باشد، در حالی که باید زیر بیرق آنان قرار بگیرد، بیعت آنان را بپذیرد و آنان را به رهبری و حکومت بشناسد؟ اگر مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله از حکومت علی علیه السلام حکومت پس از

عثمان است، چرا خلیفه دوم، در روز غدیر به علی علیه السلام تبریک گفت و او را مولای خود و هر مؤمن دیگری خطاب کرد؟ عمر که در زمان حکومت عثمان زنده نبود تا ولایت و حکومت علی علیه السلام را بپذیرد. این موضوع نشان می‌دهد که او ولایت علی علیه السلام را بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله پذیرفته بود؛ اما قدرت طلبی، اتفاقی را رقم زد که شد آنچه نباید می‌شد.



برای مطالعه بیشتر

۱. جامعه علوی در نهج البلاغه، عبدالحسین خسرو پناه، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۲. حماسه غدیر، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. آرمان غدیر از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام، سید محمد مجیدی نظامی و حسن عرفان، انتشارات مولود کعبه.
۴. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، دار احیاء التراث العربی.
۵. غدیر شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، انتشارات مسجد مقدس جمکران.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.